

بررسی و نقد کتاب «شهرهای ساسانی از منظر تاریخ و باستان‌شناسی»

میثم لباف خانیکی*

چکیده

شهر به مثابه شکل تعین یافته روابط اجتماعی و مناسبات انسانی، از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و باستان‌شناسی برخوردار است. این اهمیت به اندازه‌ای است که تأسیس نخستین شهرها و تشکیل اولین نهادهای شهری، به عنوان نقطه عطفی در فرایند تحول و تطور جوامع انسانی تلقی می‌شود. شهرهای ساسانی که شکل تکامل یافته شهر و شهرنشینی را در آخرین سده‌های دوران باستان به نمایش می‌گذارند، در کتابی تحت عنوان شهرهای ساسانی مورد بحث و بررسی واقع شده‌اند. این کتاب به قلم دکتر رضا مهرآفرین و توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۹۳ انتشار یافته است. اگرچه کتاب مذکور، مجموعه اطلاعات ارزشمندی درباره برخی از شهرهای شناخته شده ساسانی را شامل می‌شود ولی همانند هر اثر علمی دیگری شامل کاستی‌هایی است که در مقاله پیش رو بدان‌ها پرداخته می‌شود. در نگاهی کلی، نقاط ضعف اثر فوق را می‌توان در عدم بهره‌گیری جامع از منابع و پاره‌ای ایرادات محتوایی خلاصه کرد.

کلیدواژه‌ها: شهر، شهرسازی، دوره ساسانی، نقد کتاب.

۱. مقدمه

«شهر»، «شهرسازی»، «شهرنشینی» و «شهروندی» مقولاتی همبسته‌اند که در حوزه رشته‌ها و گرایش‌های علمی گوناگونی نظیر جغرافیا، معماری، شهرسازی، جامعه‌شناسی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، تاریخ و باستان‌شناسی مورد بحث واقع می‌شوند. شمول گسترده این مباحث، نشأت گرفته از پیچیدگی و جامعیت پدیده شهر است. شهر نه فقط پدیده‌ای

* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، labbaf@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۸

عینی و ملموس، بلکه مفهومی انتزاعی است که موجودیت خویش را از اندیشه‌های بشری دریافت کرده و شبکه گسترده‌ای از مناسبات انسانی را سامان داده است. آنچه یک سکونتگاه را «شهر» می‌کند، علاوه بر وسعت مکانی، جمعیت متمرکز، مساکن مترکم و معابر درهم بافته، پدیده‌های ناملموسی را شامل می‌شود که در نتیجه کنش سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تکوین یافته‌اند. از این رو برای مطالعه شهر در یک دوره تاریخی لازم است که در وهله اول جریان‌های تاریخی تأثیرگذار بر مفهوم و کارکرد شهر شناسایی شود و سپس با تکیه بر این شناخت، مظاهر مادی شهر مورد توصیف و تحلیل قرار گیرد.

«شهرهای باستانی» موضوعی است که در یک سده اخیر و همزمان با توجه اندیشمندان به مراحل تطور و تکامل تاریخی جوامع بشری اهمیت زیادی پیدا کرده است. شناسایی سکونتگاه‌های گسترده در فلات ایران، بین‌النهرین، مصر و دره سند که محله‌های متعدد و بناهای عظیمی چون معابد و کاخ‌ها را در خود جای می‌دادند و از زیر ساخت‌های خدماتی وسیعی چون سیستم‌های آبرسانی و شبکه راه‌ها بهره می‌بردند، سبب شد که تأسیس شهرها به مثابه نقطه عطفی در تاریخ تحولات اجتماعی بشر دانسته شده و آغاز شهرنشینی به عنوان مرحله جدیدی در تکامل جوامع انسانی و نظام‌های معیشتی تلقی گردد. تا جایی که گوردن چایلد، باستان‌شناس شهیر قرن بیستم، ایجاد شهرها را نشانه‌ای از وقوع «انقلاب شهرنشینی» در فرایند تحول جوامع بشری معرفی کرد (چایلد ۲۵۳۷: ۲۳۹-۱۹۰).

اما از هزاره چهارم پیش از میلاد که نخستین شهرها پدید آمدند تا سده سوم میلادی که ساسانیان قدرت را به دست گرفتند، فرصت فراخی مهیا گشت تا ارکان و نهادهای شهری رشد کنند و تکامل یابند. همزمان با قدرت‌گیری ساسانیان، «شهر» چنان جایگاهی در عرصه قدرت سیاسی و اجتماعی یافته بود، که مؤسس آن سلسله، اردشیر بابکان، در هر سرزمینی که فتح می‌کرد شهری بنیان می‌نهاد (هدایت ۱۳۴۲: ۱۸۳-۱۸۲، ۱۸۴، ۲۰۲؛ طبری ۱۳۶۲: ۵۸۵-۵۸۴). اقدام اردشیر به شهرسازی به سستی در گفتمان سیاسی ساسانیان تبدیل شد و اخلاف وی از شهر به عنوان ابزاری برای ابراز و اظهار قدرت خویش بهره گرفتند (مثلاً نک. حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۱۹۸؛ مجمل‌التواریخ و القصص ۱۳۷۹: ۶۴؛ ثعالبی ۱۳۶۸: ۳۳۸؛ ابن بلخی ۱۳۷۴: ۱۹۶-۱۹۵).

بالندگی بنیان‌های شهر در دوره ساسانی، به معنای افزایش پیچیدگی آنها بود. به عبارت دیگر، در دوره ساسانی، عناصر و عوامل موجد شهر، به حد بالایی از تکرار و تنوع رسیده و

روابط پیچیده ای که میان آنها برقرار بود، شکل و ماهیت شهرها را وارد دوره جدیدی نمود. شهر در دوره ساسانی، نه فقط مکانی برای زیست و استقرار جامعه انسانی بلکه محلی بود برای فعالیت تشکیلات اداری، مذهبی، نظامی و اقتصادی. هر یک از این دستگاه‌ها، دارای شبکه پیچیده ای از نیروهای انسانی و سلسله مراتب سازمانی بودند که در عرصه شهر به تکاپو مشغول بودند. در واقع شهرهای ساسانی در نتیجه تعامل عناصر مختلف سازمان‌های حکومتی با افراد جامعه معنا می‌یافت. از این رو شناخت شهرهای ساسانی، مقدمه‌تاً نیازمند شناخت روابطی است که منجر به پدیداری و حیات شهرهای آن دوره شده بود.

۲. معرفی کتاب «شهرهای ساسانی»

دکتر رضا مهر آفرین در کتاب «شهرهای ساسانی» به معرفی و تحلیل ابعادی از شهر و شهرنشینی در دوره ساسانی همت گماشته است. این کتاب در ۱۹۹ صفحه متن به علاوه ۷ صفحه عکس رنگی در سال ۱۳۹۳ توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی به زیور طبع آراسته شده است. این اثر، در هفت فصل مجزا سامان یافته و در پایان، دارای «نمایه» (فهرست اعلام) می‌باشد. در فصل اول با عنوان «تاریخ سیاسی و اجتماعی ساسانیان»، مباحثی کلی از تاریخ و جامعه ساسانی مطرح شده است. این فصل با مرور تاریخ اوایل عصر ساسانی و فرایند قدرتیابی اردشیر آغاز شده و با اشاراتی کوتاه به اتفاقات مهم در زمان برخی پادشاهان ساسانی ادامه می‌یابد. در صفحات ۱۲ و ۱۳ کتاب، خلاصه ای از «مهم‌ترین عوامل فروپاشی دین و دولت ساسانی» فهرست وار ذکر شده است. در بخش دیگری از فصل اول کتاب، به «پهنه جغرافیایی حکومت ساسانی» پرداخته شده و سعی گردیده با استناد به کتیبه شاپور در نقش رستم و آرای صاحب‌نظران، در کمتر از دو صفحه اطلاعات فشرده ای از محدوده جغرافیایی قلمرو ساسانیان بیان گردد. نویسنده، بخش بعدی فصل اول را به «آرایش اجتماعی ساسانیان» اختصاص داده و طبقات چهارگانه جامعه ساسانی را تشریح نموده است. علاوه بر طبقات اجتماعی، تقسیمات دربار ساسانی و خاندان‌های صاحب قدرت در آن دوره نیز در این بخش مورد توجه قرار گرفته است. در واپسین بخش فصل اول، با عنوان «مذاهب و جنبش‌های دینی عصر ساسانی» تاریخ فراز و فرود دین زرتشتی در دوره ساسانی مرور شده و نهضت‌های دینی و اجتماعی مانی و مزدک با تأکید بیشتری تشریح شده است.

فصل دوم با عنوان «جغرافیای تاریخی شهرهای ساسانی»، حاصل تلاش نویسنده کتاب در گردآوری گزاره‌های تاریخی راجع به شهرهای ساسانی است. بدین ترتیب مطالب این فصل در چهار بخش با عناوین «شهرهای اجداتی اردشیر بابکان»، «شهرهای اجداتی شاپور اول»، «شهرهای اجداتی از زمان هرمز اول تا پیروز» و نهایتاً «شهرهای اجداتی از زمان پیروز تا پایان شاهنشاهی ساسانی» سامان داده شده و بخش پایانی فصل دوم با عنوان «دیگر شهرها و بناها» به آثاری اختصاص داده شده که توسط افرادی غیر از پادشاهان ساسانی احداث شده‌اند. مبنای تألیف این فصل را اقوال متقدمینی تشکیل می‌دهد که توصیفاتی از شهرهای پیش از اسلام و یا بانیان آن شهرها را در کتب خویش مسطور ساخته‌اند. به مناسبت مطالب، جدول‌هایی نیز در متن فصل دوم درج گردیده که خلاصه‌ای از اشارات متون تاریخی به شهرهای ساسانی را ارائه می‌دهد. به استثنای رساله پهلوی «شهرستان‌های ایران»، مراجع و مآخذ دست اول مورد استناد در این فصل کتاب را تواریخ و تذکره‌های جغرافیایی تشکیل می‌دهد که توسط تاریخ‌نگاران و جغرافیانویسان مسلمان تألیف و تصنیف شده است.

در فصل سوم کتاب با عنوان «شهر و ریخت‌شناسی آن در دوره ساسانی»، زمینه‌ای برای ورود به بحث اصلی کتاب فراهم آمده است. با این رویکرد، نویسنده در این فصل کوشیده تا ابتدا مفهوم شهر را با استناد به اساطیر و اعتقادات ساسانیان بکاود و با بهره‌گیری از آرای صاحب‌نظران این حوزه نظیر وبر و راپاپورت به تفهیم ماهیت شهر بپردازد. بخش عمده فصل سوم کتاب را بحثی پیرامون «عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرها» تشکیل می‌دهد که در آن نقش عوامل دفاعی- نظامی، مذهب و باورهای اعتقادی، عوامل سیاسی- اداری، تجارت و بازرگانی و موقعیت مناسب جغرافیایی و اقلیمی بر شکل‌گیری شهر تشریح شده است. نویسنده با رویکردی تاریخی، نقش هر یک از عوامل مزبور را بر شکل‌گیری شهرهایی از ادوار مختلف تاریخی مورد بررسی قرار داده است. در بخش دیگری از فصل سوم با عنوان «ساختار کالبدی شهر»، بخش‌های اصلی تشکیل‌دهنده شهرهای ساسانی شامل خندق، برج و بارو، حصار، دروازه‌ها، خیابان‌ها، دژ حکومتی، شار میانی، شار بیرونی و بازار مورد بحث قرار گرفته و مصادیقی از شهرهای دوره ساسانی ذکر شده است. در ادامه، ذیل عنوان «تأسیسات درون شهری»، توضیح مختصری درباره جایگاه کاخ و معبد در شهرهای ساسانی درج شده است. در آخرین بخش فصل سوم، بر پایه «تئوری عملکردی» به شکل شهرهای ساسانی پرداخته شده و با ذکر مثال‌هایی، شهرهای ساسانی در سه گروه شهرهای مدور،

شهرهای مستطیلی و شهرهای نامنظم تقسیم بندی شده اند. نویسنده، شکل هندسی شهرها را مرتبط با عملکرد هر کدام دانسته و تعابیر کیهانی را در طراحی شهرهایی مثل شهر گور بی تأثیر ندانسته است.

فصل چهارم، به توصیف و تشریح «شهرهای مدور» دوره ساسانی اختصاص یافته است. در این فصل شهرهای دارابگرد، اردشیر خوره، تخت سلیمان و مرو توصیف شده اند. در این فصل به توصیف بناهای شاخص شهرهای مزبور نیز پرداخته شده و کاخ ها و معابدی که در محوطه های اردشیر خوره و تخت سلیمان واقع شدند نیز مورد توجه قرار گرفته است. در اثنای توصیف محوطه های مذکور، نقشه هایی که گویای شکل کلی سکونتگاه های فوق هستند نیز گنجانده شده است.

فصل پنجم حاوی توصیفات «شهرهای مستطیل شکل (هیپودام)» ساسانی است. به زعم نویسنده، احداث شهرهای مستطیل شکل از قبل از دوره ساسانی در ایران مرسوم بوده و شهرهای بیشاپور، جندی شاپور، ایوان کرخه، سیراف، نیشابور و رومیه نمونه هایی از این نوع شهرها به شمار می روند که در دوره ساسانی ساخته شدند. در این فصل شهرهای فوق الذکر توصیف شده و به جستجوی نام و نشان آنها در متون تاریخی پرداخته شده است. در توصیف بیشاپور، با استناد به نتایج کاوش های باستان شناسی ساختار شهر و عناصر کالبدی آن تشریح و بناهای شاخص آن شهر توصیف شده است. فقدان کاوش های گسترده باستان شناسی در محوطه جندی شاپور، امکان توصیف آثار معماری این شهر و تحلیل باستان شناختی جندی شاپور را سلب کرده و نگارنده به ذکر توصیفات و تعاریف مندرج در متون اکتفا کرده است. در توصیف سیراف، توجه بیشتری به مطالعات میدانی و کاوش های باستان شناسی شده و گذشته از مختصری درباره جغرافیای تاریخی این شهر، به نتایج فعالیت باستان شناسان توجه شده است. در پایان این فصل، به ذکر توصیفات تاریخی از نیشابور اکتفا شده است.

فصل ششم با عنوان «شهرهای بدون شکل منظم (نامنظم)» حاوی مجموعه متنوعی از محوطه های ساسانی است. آنچه سبب شکل هندسی نامنظم این شهرها شده، به باور نویسنده، تابع شرایط جغرافیایی محل بوده است. دلیل دیگری که نویسنده برای نامنظم بودن شکل شهرهای ساسانی یاد کرده، عدم طراحی و فقدان نقشه قبلی برای شهرهایی بوده است که بدون هیچگونه تناسبی گسترش یافته اند و چه بسا بر بنیاد روستاهای پیشین شکل گرفته اند. در این فصل شهرهای استخر، رام شهرستان، تیسفون و قصر شیرین به عنوان

مصادیق شهرهای نامنظم عصر ساسانی تلقی شده و مورد بحث قرار گرفته اند. مبحث مربوط به هر یک از محوطه های فوق با پیشینه تاریخی شروع شده و به توصیف آثار و شواهد معماری و باستان‌شناختی می‌انجامد. در مبحث «تیسفون»، مطلب از شرح تیسفون فراتر رفته و به شهرهای سلوکیه، ولاش آباد، وه اردشیر، درزیدان، رومیه و اسپانبر که مجموعاً مداین را تشکیل می‌دادند، نیز پرداخته شده است. بخش عمده توصیفات مربوط به مداین برگرفته از متون تاریخی است و مختصری درباره ویژگی های معماری کاخ کسری درج شده است. مطالب مربوط به قصر شیرین نیز مشتمل است بر ذکر قصر شیرین در متون تاریخی و توصیفات معماری عمارت خسرو و چهارقاپی. در انتهای این فصل، شرح نسبتاً دقیق و مفصلی از رام شهرستان نگاشته شده است. گرچه کاوش باستان‌شناسی در این محوطه صورت نگرفته، ولیکن نگارنده کوشیده است با مراجعه به منابع تاریخی و بررسی میدانی، این شهر را منطبق بر محوطه ای در سیستان معرفی نماید که به نام تپه شهرستان معروف است.

آخرین فصل کتاب به جمع بندی مطالب فصل های پیشین پرداخته است. این فصل با رویکرد تاریخی ساسانیان به مقوله شهر آغاز می‌شود و نگاهی گذرا به کارنامه شهرسازی پادشاهان ساسانی می‌افکند. آنچه در فصل های آغازین کتاب تحت عنوان مفهوم شهر، عوامل مؤثر بر شکل گیری شهر و شکل شهرهای ساسانی آمده بود، در این فصل به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است. در نهایت نویسنده تأکید کرده که رهیافت تاریخی در بازسازی سیمای برخی شهرهای ساسانی مفید است و چنین نتیجه می‌گیرد که ساسانیان در احداث شهرها به ساختارهای اجتماعی و سیاسی زمانه خویش توجه داشته اند.

۳. نقد کتاب «شهرهای ساسانی»

کتاب «شهرهای ساسانی» مجموعه اطلاعات جامع و سودمندی را در ارتباط با شهرسازی و معماری عصر ساسانی ارائه می‌دهد. با این وجود، نکات قابل نقدی در صورت و محتوای این کتاب به چشم می‌خورد که اصلاح آنها در چاپ های آتی بر کیفیت این اثر خواهد افزود. به ترتیب مطالب مندرج در کتاب، مواردی را که در طراحی جلد نادیده گرفته شده را از نظر گذرانده و سپس به متن کتاب می‌پردازیم.

روی جلد کتاب مزین است به تصویر هوایی شهر گور (فیروزآباد) که با عنوان کتاب، قرابت مفهومی دارد. ولی متأسفانه از خالق این تصویر یعنی جورج گستر، عکاس

سوئسی، و نیز از طراح جلد، نامی برده نشده است. قطع کتاب در قالب معمول کتاب های سمت، مناسب انتخاب شده و چاپ عکس های رنگی در انتهای کتاب، بر کیفیت اثر افزوده است. صفحه آرای، حروف چینی و انتخاب فونت عناوین و مطالب، ساده و گویاست و به استثنای مواردی معدود، اغلاط املائی چندانی در متن مشاهده نمی شود. همچنین نگارش سلیس و ادبیات روان متن و عدم استفاده از واژه های نامأنوس، متنی قابل فهم و رسا را در اختیار مخاطب گذارده است. جمله ها و عبارات انگشت شماری در متن کتاب مشاهده می شوند که ویرایش نشده اند. خطاهای معدود در متن کتاب می توانست با بهره گیری از دقت و دانش یک ویراستار مرتفع شود.

جدول های مندرج در فصل دوم (جغرافیای تاریخی)، خلاصه سودمندی از اشارات متون تاریخی به شهرهای ساسانی ارائه می دهد. نقشه هایی که در لابلای متن کتاب آمده و تصاویر رنگی انتهای کتاب نیز در تفهیم مطلب کمک می کند. با این وجود بهتر بود که تصاویر رنگی نیز به فراخور مطالب در صفحات میانی کتاب گنجانده می شد و ارتباط میان آنها با بندها و عبارات کتاب، با ذکر شماره ای برای هر عکس مشخص می گردید.

اگرچه اثر فاقد «مقدمه» است، ولی در فصل سوم سعی شده مقدمه ای برای ورود به بحث اصلی کتاب، یعنی «شهرهای ساسانی»، تدارک دیده شود. شناخت شهرهای ساسانی بدون مطالعه تاریخ پرفراز و نشیب چهارصد ساله آن عصر امکان پذیر نیست. مؤلف کتاب، به درستی، فصلی را به این مقوله اختصاص داده و به ذکر رئوس تاریخ سیاسی و اجتماعی ساسانیان پرداخته است. اگرچه فصل اول، اطلاعات مختصر و مفیدی راجع به تاریخ ساسانیان از تکوین تا فروپاشی ارائه می دهد ولی حول محور اصلی کتاب یعنی شهرهای ساسانی نمی چرخد. بهتر بود تاریخ ساسانی با تکیه بر وقایع تاریخی تأثیر گذار بر شهرهای آن دوره همچون انگیزه های تاریخی در تأسیس، گسترش یا ویرانی شهرها تدوین می یافت و بر شهرهایی که در عرصه های تاریخی نقشی مهم و مؤثر ایفا کرده اند، تأکید می شد. بدین ترتیب، از یک طرف فصل «تاریخ سیاسی» هدفمند می شد و از طرف دیگر ارتباط منطقی بین فصل های چهارم تا ششم با تاریخ دوره ساسانی برقرار می گردید. توجه به فرایندهای تاریخی در ارتباط با فلسفه وجودی شهرهای ساسانی، اهمیت عوارض فرهنگی دیگر نظیر راه های ارتباطی را نیز روشن می سازد و دریچه های جدیدی به مطالعات آتی می گشاید. همین کاستی در تبیین «آرایش اجتماعی ساسانیان» و «مذاهب و جنبش های دینی عصر ساسانی» نیز مشاهده می شود. هر دو عامل مذکور، بر هویت شهرهای ساسانی

تأثیر غیر قابل انکاری داشته اند ولی ارتباط آنها با شهرهای ساسانی (از لحاظ شکل و کارکرد) بیان نشده است.

نویسنده کتاب، در فصل دوم تلاش ستودنی در بهره‌گیری از متون تاریخی فارسی و عربی مبذول داشته است و آثار اغلب مورخین و جغرافیانگاران مسلمان را از نظر گذرانده، ولی توجه چندانی به تذکره‌ها و تواریخ رومی که همزمان با دوره ساسانی نگارش یافته‌اند، نداشته است. قطعاً نوشته‌های مورخینی چون هرودیان، مارسلینوس، پروکوپئوس و حتی پاره‌ای منابع ارمنی و سریانی نیز حاوی اطلاعاتی درباره شهرهای اشکانی و ساسانی می‌باشند (رک. پیگولوسکایا ۱۳۸۷). همچنین در مباحث نظری از آرای صاحب‌نظرانی چون پیگولوسکایا (۱۳۸۷)، لوکونین (۱۳۸۷)، برونر (۱۳۸۷)، ویتکام (Whitcomb 1985)، ونکه (۱۳۸۱)، آدامز (Adams 1965, 1981) و مورونی (Morony 1982) درباره تاریخ، ماهیت و بافت شهرهای دوره ساسانی کمتر استفاده شده است. مراجعه به نظریات ایشان، ولو با رویکردی انتقادی، می‌توانست دریچه‌های جدیدی به مقوله شهر و شهرسازی در عصر ساسانی بگشاید.

فصل سوم به بعد حاوی مطالب اصلی کتاب است که مفهوم شهر و مصادیق آن را در دوره ساسانی جستجو می‌کند. بخش نخست این فصل به مفهوم شهر در ایران باستان و سابقه آن در شواهد باستان‌شناختی و روایات اساطیری می‌پردازد. علیرغم آنکه نویسنده اذعان داشته که تعاریف جدید، ممکن است دربردارنده مفهوم شهر دوره ساسانی نباشد، ولیکن از تعبیر ماکس وبر، گوردون چایلد و راپاپورت راجع به شهر استفاده شده است. اگر چه ارتباط ضعیف تعاریف ایشان با شهرهای ساسانی، اندکی بحث را منحرف می‌کند ولی نویسنده باز به واژه شناسی شهر در ایران باستان و جایگاه اداری شهر در جغرافیای سیاسی ایران ساسانی باز می‌گردد و مطالب مفید و آموزنده‌ای درباره مبانی نظری شهرهای ایران باستان و دوره ساسانی مطرح می‌سازد. نویسنده، در ادامه به ذکر عوامل مؤثر در پیدایش شهرهای باستانی پرداخته و بنیان نظری عالمانه‌ای برای پیشبرد بحث فراهم می‌آورد.

در مبحث «ساختار کالبدی شهرها» عناصر تشکیل دهنده شهر در دوره ساسانی با ذکر مصادیقی، به درستی و بجا تشریح شده است. ولیکن در بخش «تأسیسات درون شهری» بر «کاخ» بیش از دیگر عناصر تأکید شده و در ساختاری ناموزون بیش از ۸۰ درصد متن به تشریح کاخ‌ها اختصاص یافته است.

علیرغم بحث‌های بنیادین سودمند در باب عملکرد و ساختار شهرهای ساسانی، نویسنده در بخش «شکل شهرهای ساسانی» از کلیه مباحث نظری پیشین چشم‌پوشی کرده و با استناد به نظریه لینچ، «شکل هندسی» را مبنای تقسیم‌بندی شهرها قرار داده است. بدیهی است، نظریه لینچ بر مبنای شکل مشهود و بافت زنده شهرهای امروزی مطرح شده و قابلیت تعمیم و تسری به شهرهای ساسانی که هنوز بافت آنها به درستی شناسایی نشده و یا در طول زمان دچار تغییر و تحول فراوان شده، را ندارد. مثلاً نمی‌توان توصیف داستان وار و خیال‌پردازانه حمدالله مستوفی که می‌گوید «شوش را مانند باز و شوشتر را مثل اسب ساختند»، را مبنای تحلیل علمی شهر قرار داد. واقعیت آن است که هنوز بافت داخلی شهرهای ساسانی را به اندازه‌ای نمی‌شناسیم تا بتوانیم مباحث عملکردی موضوعه لینچ را درباره آنها جستجو کنیم. بر مثال‌هایی که نویسنده به عنوان مصادیق شکل‌های هندسی یاد کرده ایراداتی وارد است. بر خلاف آنچه در کتاب «شهرهای ساسانی» آمده، دارابگرد به زعم حمزه اصفهانی (قرن چهارم هجری) در ادوار پیش از اسلام مثلث شکل بود و بعدها به دستور حجاج بن یوسف حصار مدوری بر گردش ساختند (حمزه اصفهانی، بی تا: ۳۱)؛ بخش مسکونی مرو ساسانی (گبر قلعه) تقریباً مربع شکل بود (سیدی ۱۳۸۶: ۷۷) و فقط مقر حکومتی یا ارگ آن از حصاری دایره‌ای شکل برخوردار بود؛ محدوده محصور بیضی شکلی که به نام تخت سلیمان شناخته می‌شود نیز شهر نیست بلکه مجموعه‌ای از نهادهای اداری و مذهبی را در بر می‌گیرد (Kennedy 2006: 15)؛ درباره تعلق پلان هیپودام بیشاپور به دوره ساسانی نیز تردیدهای جدی وجود دارد (مهریار در پیشگفتار گیرشمن ۱۳۷۹: ۱۰) و جندی شاپور در دوره اسلامی دچار تغییرات زیادی شده بود. (Adams and Hansen 1968) در اظهار نظر عجیبی، سیراف نیز به عنوان یکی از شهرهای مستطیل و هیپودام معرفی شده است. در حالیکه می‌دانیم صرفاً آن بخشی از سیراف که به عنوان قلعه نظامی استفاده می‌شد، به صورت راست گوشه ساخته شده بود (Whitehouse 1972: 68-71). در مورد نیشابور نیز، هیچ شاهدی دال بر شکل مستطیل و هیپودام شهر در دست نیست (Labaf and Kervran 2007) و بافت استخر در دوره ساسانی هنوز به درستی شناسایی نشده است (Whitcomb 1976: 369). در آخرین دسته بندی، محوطه‌های رام شهرستان، تیسفون و قصر شیرین به عنوان شهرهای نامنظم معرفی شده اند که تأثیر شکل این شهرها بر عملکردشان به خوبی توجیه نشده است.

فصل‌های چهارم تا ششم کتاب، بر اساس تقسیم‌بندی فوق به توصیف آثار مذکور می‌پردازد. در این سه فصل بیشتر از آنکه شهر به مثابه کلیتی در بردارنده نهادهای مختلف اجتماعی، شبکه‌ای از معابر و زیرساخت‌های خدماتی، عرصه تعامل اصناف و طبقات اجتماعی، شکل تجسد یافته باورها و اعتقادات و فضای حیات جامعه دوره ساسانی تلقی گردد، به توصیف آثار معماری پراکنده در محوطه‌های ساسانی پرداخته شده است و در عمل، تفاوتی با شرح «معماری ساسانی» ندارد.

اطلاعات سودمندی که نویسنده در مورد محوطه‌ها و ابنیه ساسانی گردآوری کرده، می‌توانست با مراجعه به مقالات، کتاب‌ها و گزارش‌های باستان‌شناسی جدیدتر، غنای بیشتری یابد. از آن جمله می‌توان به انتشارات ذیل در ارتباط با مطالعات جدید شهرها و بناهای ساسانی اشاره کرد که مورد توجه نگارنده کتاب واقع نشده‌اند: توصیفاتی که دیریش هوف از یافته‌های اخیرش در اردشیر خوره داشته (Huff 2008: 48-49)، کاوش‌های اخیر هیئت‌های باستان‌شناسی انگلیس و ترکمنستان در گبر قلعه مرو (Herrmann et al. 1999)، یافته‌های دهه اخیر ناصر نوروززاده چگینی در بیشاپور (نوروززاده چگینی ۱۳۸۵) و نگاه جدید محمد مهریار به بافت این شهر (مهریار ۱۳۷۹)، کاوش‌های گسترده هیئت مشترک ایران و فرانسه در نیشابور (Labaf and Kervran 2007) که برخلاف ادعاهای پیشین به شناسایی آثار ساسانی در کهندژ نیشابور منجر شد (لباف خانیکی و لباف خانیکی ۱۳۹۱)، یافته‌های اخیر باستان‌شناسان ایرانی و ایتالیایی (Fontana et al. 2012) و مطالعات احمد علی اسدی در استخر (اسدی ۱۳۸۴)، آثار ساسانی و اشکانی که اریک اشمیت (Schmidt 1939: 119-121) و لیونل بیر (Bier 1983) از کاوش و بررسی محوطه استخر گزارش کرده‌اند و کاوش‌های گسترده ایتالیایی‌ها در تیسفون (Cavallero 1966, 1967; Gullini and Invernizzi 1966, 1967, 1968-69, 1970-71, 1973-74, 1977) علاوه بر این، معیار روشنی از گزینش محوطه‌های مشروحه در کتاب، متصور نیست. اگر تخت سلیمان و قصر شیرین به مثابه بقایایی از شهرهای دوره ساسانی تلقی شده‌اند، چرا به محوطه‌های مهم دیگری چون قصر ابونصر، بندیان، حصار، چال طرخان، شوش، کیش و حاجی آباد پرداخته نشده است. از این رو، اثر از جامعیت قابل توجهی برخوردار نیست. با این حال، مجموعه مطالب ارزشمندی در این کتاب گردآوری شده است که شناختی کلی و گذرا از محوطه‌های ساسانی، پیش روی دانشجویان قرار می‌دهد.

یکی از خلاء های چشمگیر کتاب مزبور، عدم درج نقشه ای از پراکندگی شهرهای ساسانی در گستره قلمرو ساسانیان است. فقدان این نقشه هم در فصل دوم (جغرافیای تاریخی شهرهای ساسانی) و هم در فصل های چهارم تا ششم (آثار باستان شناختی شهرهای ساسانی) احساس می شود. اگرچه موقعیت مکانی بسیاری از شهرهای مذکور در متون تاریخی دانسته نیست، ولی نقشه های متعددی که منتشر شده حاوی آرای صاحب نظران در ارتباط با این موضوع است (مثلاً برونر ۱۳۸۷: ۱۵۲). کمالینکه، نویسنده می توانست با ارائه نقشه ای جدید، طرحی نو در این باب دراندازد. علیرغم ابهام در مورد موقعیت شهرهای مذکور در متون تاریخی، موقعیت تمامی محوطه های باستانی مربوط به دوره ساسانی مشخص است و انتظار می رود نقشه دقیقی از پراکندگی آن محوطه ها تهیه شود.

نویسنده در فصل هفتم با عنوان «جمع بندی»، نتایج را نیز ارائه کرده است. پیرو آنچه در بند اول صفحه ۱۹۸ کتاب آمده که «برخی از شهرهای ساسانی دارای شکل خاصی دارند [هستند] که این امر برگرفته از اهداف عملکردی، مذهبی و فرهنگی خاص آن دوره است که بنا به فرمان شاه شکل آن مشخص می شد»، و نیز بر پایه آنچه در فصل های اول تا سوم کتاب درج شده، انتظار می رفت تأثیر اهداف فوق بر شکل هندسی شهرها تشریح گردد تا مدعای نویسنده در این باب، اثبات گردد.

۴. نتیجه گیری

دوره ساسانی، اگرچه نامی است که یک بازه تاریخی را می شناساند، ولی نباید فراموش کرد که بیش از چهارصد سال به طول انجامیده است. طی این چهارصد سال، کلیه نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در تطور دائم به سر می بردند. گاه مصلحت جویی سیاسی و گاه مسائل داخلی سبب تغییر خط مشی و حتی جهان بینی هیئت حاکمه می شد. کیفیت روابط ساسانیان با همسایگان شرق و غرب، چه دوستانه بود و چه خصمانه، نیز الگویی متغیر برای تصمیم گیری فرمانروایان ترسیم می کرد. همچنین رویکردهای دینی حکومت به سازمان های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، نقش دین و ساختارهای دینی را در تعریف، تکوین و تحول شهرهای ساسانی مؤثر می ساخت. حتی شرایط جغرافیایی و بلایای طبیعی نیز در کنش سیاسی و اجتماعی ساسانیان تأثیر می گذاشت. شهرها، عرصه تجلی تمام فرایندهای فوق بودند و تحول و تطور آنها پیامدی بود از رویدادهای طبیعی و فرهنگی که در هر مقطع از تاریخ دوره ساسانی تغییر می کرد. در واقع، راز دیرپایی

حکومت ساسانیان قدرت سازواری ایشان با شرایط زمانه بود و شهرها به روشنی می‌توانند شواهد مادی این انطباق را در شئون مختلف نمایش دهند. سال‌ها پیش، نینا پیگولوسکایا (۱۳۸۷) تلاش کرد در کتاب «شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان» پشت‌صحنه شهرهای ساسانی و زیرساخت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها را بیان کند. خصوصاً در بخشی از آن کتاب که مربوط به شهرهای ساسانی می‌شود، پیگولوسکایا توانست از حیطة ثوری پافراتر گذارد و مصادیقی برای آرای خویش برشمرد. وی توصیف جامعی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرهای ساسانی ارائه داد ولی کمبود یافته‌های باستان‌شناختی، اثر وی را در سطح بیان گزاره‌های تاریخی محدود ساخت. اگر چه، همچنان اطلاعات ناچیزی از شواهد مادی شهرهای ساسانی در دست است، اما امید می‌رود با تکیه بر کاوش‌های اخیر در محوطه‌های ساسانی و نگاهی همه‌جانبه به دیگر مواد فرهنگی از جمله سکه، گل‌مهر، اسناد مکتوب و تبتعات تاریخی جدید، گامی به پیش در شناخت شهرهای ساسانی برداشته شود. در نتیجه، امید است در تهیه کتابی با موضوع شهرهای ساسانی، به موضوعاتی فراتر از شکل ظاهری شهرها (دایره‌ای، مستطیلی یا نامنظم) پرداخته شود و مقوله شهر با نگاهی عمیق به جریان متلاطم و متغیر تاریخ دوره ساسانی و شرایط محیطی صورت پذیرد.

کتاب‌نامه

- ابن بلخی (۱۳۷۴). فارسنامه ابن بلخی، توضیح و تحشیه منصور رسنگار فسائی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- اسدی، احمدعلی (۱۳۸۴). «بنای موسوم به دروازه شهر استخر: معرفی و تحلیل کارکرد»، سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، صص. ۳۲۰-۲۹۵.
- برونر، کریستوفر (۱۳۸۷). «تقسیمات جغرافیایی و اداری: ماندگاه‌ها و اقتصاد»، تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت دوم، تهران: امیرکبیر، صص. ۱۷۴-۱۴۹.
- پیگولوسکایا، نینا (۱۳۸۷). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی: مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، پاره نخست ایران باستان، ترجمه محمد فضائلی، بی‌جا: نشر نقره.

- چابلد، گوردن (۲۵۳۷). انسان خود را می سازد، ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل اتائی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵). تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.
- حمزه بن الحسن الاصفهانی (بی تا). تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء علیهم الصلاه و السلام، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاء.
- سیدی، مهدی (۱۳۸۶). جغرافیای تاریخی مرو، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). تاریخ طبری یا «تاریخ الرسل و الملوک»، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، تهران: اساطیر.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹). بیشاپور، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ (۱۳۸۷). «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیاتها و داد و ستد»، تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت دوم، تهران: امیرکبیر، صص. ۱۴۴-۷۱.
- مؤلف نامعلوم (۱۳۷۹). مجمل التواریخ و القصص (نسخه عکسی مورخ ۷۵۱ کتابخانه دولتی برلین)، نسخه برگردانان: ایرج افشار و محمود امید سالار، تهران: طلایه.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۹۳). شهرهای ساسانی، تهران: سمت.
- نوروززاده چگینی، ناصر (۱۳۸۵). «زنده یاد استاد محمد مهریار، تأملی در ادامه پژوهشهای باستان شناسی در بیشاپور»، مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، به کوشش باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص. ۲۴-۹.
- هدایت، صادق (۱۳۴۲). زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر پاپکان، تهران: امیرکبیر.
- ونکه، رابرت جی. (۱۳۸۱). «غرب ایران در دوره پارت- ساسانی: تغییر شاهنشاهی»، باستان شناسی غرب ایران، ویراسته فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت، صص. ۵۶۲-۴۹۷.

Adams, R. McC. (1965). Land behind Baghdad: A History of Settlement on the Diyala Plain, Chicago: University of Chicago Press.

Adams, R. McC. (1981). Heartland of Cities, Chicago: University of Chicago Press.

Adams, R. McC. and D. P. Hansen (1968). "Archaeological Reconnaissance and Soundings in Jundī Shāhpūr," *Ars Orientalis* 7: 53-70.

Bier, L. (1983). A Sculpted Building Block from Istakhr, *Archäologische Mitteilungen aus Iran* 16: 307-316.

Cavallero, M. (1966). "The Excavations at Choche (presumed Ctesiphon) – Area 2", *Mesopotamia* 1: 63-80.

Cavallero, M. (1967). "The Excavations at Choche – Area 2", *Mesopotamia* 2: 48-56.

- Fontana, M. V. S. M. Mireskandari et al. (2012). "Estakhr Project – First Preliminary Report of the Joint Mission of the Iranian Center for Archeological Research, Vicino Oriente XVI: 167-180.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1966). "First Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Season 1964," *Mesopotamia* 1: 1-88.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1967). "Second Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Season 1965," *Mesopotamia* 2.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1968-69). "Third Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Season 1966," *Mesopotamia* 3-4.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1970-71). Fifth Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Season 1969," *Mesopotamia* 5-6.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1973-74). "Sixth Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Seasons 1972/74," *Mesopotamia* 8-9.
- Gullini, G. and A. Invernizzi (1977). "Seventh Preliminary Report of Excavations at Seleucia and Ctesiphon. Seasons 1975/76," *Mesopotamia* 12.
- Herrmann, G. K. Kurbansakhatov and St. J. Simpson et al. (1998). "The International Merv Project: Preliminary Report on the Seventh Season," *Iran* 37: 1-24.
- Huff, D. (2008). "Formation and Ideology of the Sasanian State in the Context of Archaeological Evidence," in *The Sasanian Era*, V. Sarkhosh Curtis and S. Stewart (eds.), London: IB Tauris, pp. 31-59.
- Kennedy, H. (2006). "From Shahrīstan to Medina," *Studia Islamica* 102/103: 5-34.
- Labbaf, R. A. and M. Kervran (2007). *Nishapur: Seasons 2004-2007*, ICHTO-CNRS-Musee du Luvre, unpublished.
- Morony, M. G. (1982). "Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamic al-'Irāq," *Iran* 20: 1-49.
- Schmidt, E. F. (1939). *The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians*, Chicago and Illinois: Chicago University Press.
- Whitcomb, D. (1979). "The city of Istakhr and the Marvdasht Plain," in *Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie*, München 7 - 10, Sept. 1976, Berlin, pp. 363-370.
- Whitcomb, D. S. (1985). *Before the Roses and Nightingales: Excavations at Qasri Abu Nasr, Old Shiraz*, New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Whitehouse, D. S. (1972). "Excavations at Siraf: Fifth Interim Report," *Iran* 10: 62-88.